

کانون کنترل انسان در قرآن با تاکید بر مفهوم جبر و اختیار

مریم عمیدی مظاهری*؛ استادیار، گروه خدمات بهداشتی و آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
قاسم درزی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم
سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۲۴ - ۱۱۳
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۲/۱۵

چکیده

سلامت انسان در تمام حیطه‌ها به شدت متأثر از سبک زندگی اوست. و از طرفی سبک زندگی و اعمال و رفتار از فرآیندهای ذهنی، روانی و سبک اندیشه انسان نشأت می‌گیرد و کانون کنترل شخصیت انسان یکی از مواردی است که تأثیر مهمی بر شیوه تفکر و رفتار افراد می‌گذارد. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد بسیاری از مسائل و مشکلات انسان‌ها ناشی از اعتقاد به احاطه کنترل بیرونی بر افراد است لیکن تأثیر مثبت کنترل درونی بر افراد به چه میزان است؟ و آیا کنترل بیرونی نقش مثبتی در این زمینه ندارد؟

بررسی مفاهیم قرآنی و به خصوص مفاهیم مرتبط با جبر و اختیار نشان می‌دهد که گفتمان قرآنی بر نفی اختیار محض و تأثیر محدودی از جبر بیرونی بر افراد است لذا نگرش به کانون کنترل از زاویه دید قرآن کریم، طریقی میان کنترل درونی و بیرونی را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: کانون کنترل، قرآن کریم، جبر و اختیار، سبک زندگی.

۱- مقدمه

به نظر می‌رسد سلامت انسان در تمام حیطه‌ها به شدت متأثر از سبک زندگی اوست. و از طرفی سبک زندگی و اعمال و رفتار حتی نحوه تجربه درد یا ناخوشی از فرآیندهای ذهنی، روانی و سبک اندیشه انسان نشأت می‌گیرد؛ هر چه افراد سالم‌تر و زیباتر فکر کنند، زندگی عینی خود را گسترده‌تر، عمیق‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌کنند. بنابراین شیوه تفکر فرد تعیین کننده کیفیت زندگی او و به عبارتی سلامتی اوست. شعر معروف مولانا به خوبی این نکته را یادآوری می‌نماید:

ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی خود استخوان و ریشه‌ای
گر بود اندیشه‌ات گل، گلشنی ور بود خار تو هیمه گلخنی

کانون یا مکان یا جایگاه کنترل ترجمه واژه «Locus of Control» یکی از مفاهیم ویژه و مهم در نظریه یادگیری اجتماعی و یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که تأثیر مهمی بر شیوه تفکر و رفتار افراد می‌گذارد. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد بسیاری از مسائل و مشکلات انسان‌ها ناشی از کانون کنترل بوده و تحقیقات متعددی نیز وجود رابطه بین ابعاد مختلف سلامتی به ویژه سلامت روان و موفقیت را با کانون کنترل مشخص نموده است. همچنین در اسلام، مفهوم جبر و اختیار می‌تواند مقابل قابل توجهی برای کنترل درونی یا بیرونی باشد و موضع گیری فرد در برابر این مفهوم می‌تواند تأثیر زیادی در چگونگی تعامل او با خود و جامعه داشته باشد از این رو با گردآوری آیاتی در قرآن مجید که بر این مفهوم دلالت دارند و تشکیل منظومه‌ای قرآنی، به تحلیل مفهوم جبر و اختیار و ارتباط آن با کنترل درونی پرداخته‌ایم.

حال با توجه به اهمیت درونی یا بیرونی بودن کانون کنترل و تأثیر بسیار زیاد آن در نحوه زندگی انسان و همچنین با توجه به این که اعتقاد به هر یک از این موارد می‌تواند چگونگی و روش زندگی انسان را به طور کامل تغییر دهد، قرآن کریم کدام یک از این موارد را در نظر گرفته و برای زندگی بهتر، تجویز می‌کند؟ و اصلاً برای راهیابی به مسیر هدایت الهی کدام تصور صحیح‌تر است؟ آیا قرآن کریم یکی از این موارد را بر می‌گزیند و یا طریقی میان این دو را تجویز می‌کند؟ البته با توجه به مباحث زیادی که در عالم اسلام در زمینه جبر و اختیار صورت گرفته است و همچنین ارتباط بسیار زیاد این دو مفهوم با درونی یا بیرونی بودن کانون کنترل و همچنین توجه بسیار زیاد قرآن به این مقوله، ما با محوریت این موضوع و آیاتی که مستقیم یا غیر مستقیم با این موضوع در ارتباط هستند به بیان نقطه نظر قرآن در این زمینه خواهیم پرداخت.

در زمینه کانون کنترل پژوهش‌های زیادی در زمینه روان‌شناسی صورت گرفته است، لیکن در زمینه قرآن کریم تاکنون تحقیقی منسجم در این زمینه صورت نگرفته است و به نظر می‌رسد که این تحقیق بتواند تا حدی راه را برای ورود محققان روان‌شناسی در این زمینه به قرآن کریم باز گرداند.

۲- کانون کنترل

کنترل به هر نامی که خوانده شود چه احساس کارآیی، چه کانون کنترل درونی و چه خوش‌بینی،

به وسیله عوامل اجتماعی و محیطی تعیین می شود. بنابراین مفهوم کنترل بعد شناخته شده شخصیت است. کانون کنترل درجه کنترلی است که افراد تصور می کنند بر رویدادهای زندگی دارند. کسانی که معتقدند تلاش هایشان می تواند امور را تغییر دهد کانون کنترل آنها درونی است و افرادی که سرنوشت، شانس یا قدرت دیگران را در امور زندگی مؤثر می دانند کانون کنترل بیرونی دارند. افراد دارای کانون کنترل بیرونی عصبی، مملو از کینه، بی اعتماد و تحریک پذیرند در حالی که افراد دارای کانون کنترل درونی ویژگی های نسبتاً بر عکس دارند. راهبردهای تصمیم گیری نیز در آنها متفاوت است به طوری که درونی ها تمایل دارند راهبردهای خوب را حفظ کنند و راهبردهایی که به شکست منتهی می شود را کنار بگذارند. گزارش شده است اشخاصی که تحت تأثیر کانون درونی کنترل هستند روی هم رفته سالم تر و مثر ثمرتر، هدف مندتر هستند؛ در جستجوی اطلاعات بر می آیند و بهتر با مسائل برخورد می کنند در حالی که بیرونی ها نشانه هایی از بی حالی و رخوت را به نمایش می گذارند (کاترین، ۱۳۸۵: ۱۴).

به علاوه، افراد دارای کانون کنترل درونی در مقایسه با افراد دارای کانون کنترل بیرونی برای قبول مسئولیت اعمال خود آمادگی بیشتری دارند. همچنین شواهدی در دست است که نشان می دهند که افراد دارای کانون کنترل درونی ممکن است از بهداشت روانی بهتری برخوردار باشند (غفرانی پور و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۹۵).

کانون کنترل را می توان به عنوان صفتی همبسته با انگیزش درونی فرد برای تلاش در نظر گرفت. کسانی که کنترل درک شده بالایی دارند باور دارند که رفتارشان برای رسیدن به اهداف یا پیامدهای مطلوب موثر است. بنابراین هرچه ارتباط میان پیامد و تلاش به صورت قوی تری درک شود انگیزش فرد برای تلاش بیشتر خواهد شد. البته باید در نظر داشت که نمی توان کانون کنترل را در شخصیت های گوناگون نمی توان به طور کامل درونی و یا بیرونی دانست؛ به عبارت دیگر این دو کانون در همه انسان ها وجود دارد لیکن شدت و قوت آنها در افراد مختلف است و در برخی، کنترل درونی قوت بیشتری دارد و در برخی دیگر کنترل بیرونی.

همچنین کانون کنترل درونی را می توان به عنوان صفت شخصیتی در نظر گرفت که انگیزش درونی فرد و باور توانایی اش برای کسب اهداف و پیامدهای مطلوب را پیش بینی می کند (کینگ، ۱۳۸۳: ۳۳). با توجه به پژوهش های مختلف به نظر می رسد که غالب بودن کنترل درونی، آثار مفیدتری برای افراد دارد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود:

پژوهش ها نشان داده اند افراد با کنترل درونی عزت نفس بالاتری دارند کمتر دچار هیجان ها و بزهکاری شده با استرس بهتر مقابله می کنند سبب سازگاری روانشناسی بیشتر و مشکلات جسمی، روانی و رفتاری کمتر می شود (حاتمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۱).

در حالی که افراد با کانون کنترل بیرونی، معتقدند که زندگی آنها به صورت کامل تحت کنترل محیط و عواملی خارج از کنترل فرد می باشد، این دسته از افراد موفقیت ها و شکست های خویش را به عواملی همچون شانس، قدرت دیگران، سرنوشت و... نسبت می دهند و در اغلب موارد مسئولیت رفتار خود را به عهده نمی گیرند و به همین دلیل افرادی واکنشی هستند و در واقع منتظر هستند تا دیگران آنها را

حرکت دهند و از موقعیت‌هایی که تنش‌زا بوده و تا حدودی عدم اطمینان بالایی داشته باشند، خودداری می‌کنند (گمز، ۱۳۷۷: ۳۲۵).

همان‌گونه که آشکار است، درونی بودن کانون، باور تعهد و مسئولیت‌پذیری را در افراد زنده کرده و روحیه تلاش و کوشش را در آنها به‌وجود می‌آورد حال آنکه اگر حالت بیرونی در شخصی قوت پیدا کند موجب می‌شود که این تصور در او به‌وجود آید که چیزی در اختیار او نیست و تأثیری از او در افعالش وجود ندارد لذا خود را به‌دست تقدیر سپرده و تلاشی برای تعالی و پیشرفت انجام نخواهد داد.

۳- ارتباط کانون کنترل با دیگر متغیرهای مرتبط با آن

کانون کنترل در مطالعات مختلفی مورد سنجش قرار گرفته است و ارتباط آن با متغیرهای مهم بررسی شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

در پژوهشی بین عدالت و عزت نفس، در مورد کانون کنترل درونی رابطه علی مثبت به‌دست آمد (قلی پور و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۳).

بررسی رابطه بین کانون کنترل و ویژگی‌های شخصیتی مشخص شد که بین روان رنجوری (با صفات اضطراب، پرخاشگری، افسردگی، کم رویی تکانش‌گری و آسیب‌پذیری) و کانون کنترل بیرونی رابطه مثبتی وجود دارد. و کانون کنترل درونی با سلامت روان و سازگاری اجتماعی بیشتر همراه است (حاتمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۱).

به‌عبارت دیگر هر چقدر که احساس احاطه و کنترل بر اعمال و رفتار بیشتر باشد، سلامتی بیشتری بر فرد و اجتماع حاکم است و به‌میزانی که از کنترل درونی فاصله می‌گیریم شاهد اختلالات فردی و اجتماعی خواهیم بود.

بررسی رابطه ساده و چندگانه خود اثر بخشی، کانون کنترل و تحمل ابهام با کارآفرینی نشان داد که بین کانون کنترل و تحمل ابهام و کارآفرینی رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد (برومند نسب، ۱۳۸۸: ۲۷). همچنین مطالعاتی که رابطه کانون کنترل و سازگاری زناشویی را بررسی نموده‌اند نشان می‌دهند که کسانی که دارای کانون کنترل درونی هستند، رضایت زناشویی بالایی در زندگی دارند (حسن شاهی و دیگران، ۱۳۸۲: ۵۱).

پژوهش کانون کنترل، شیوه‌های مقابله و باورهای غیرمنطقی در زنان روسپی (زنان بزه‌کار که به‌علت ارتکاب اعمال خلاف عفت عمومی طبق قوانین دستگیر شده، پس از صدور حکم در زندان‌ها به‌سر می‌برند) را با زنان عادی شهر تهران مورد مقایسه قرار داد نتایج این مطالعه نشان داد که کانون کنترل بین دو گروه روسپی و عادی تفاوت معنی‌دار نداشت، اما زنان روسپی در برخورد با رویدادها و مشکلات زندگی - بیش از زنان عادی به کاری‌های هیجانی و شیوه‌های مقابله‌ای متمرکز بر هیجان می‌پرداختند و در برابر تغییر، درماندگی بیشتری احساس می‌کردند و میزان نگرانی توأم با اضطراب در آنان بالاتر بود (زارعی دوست، ۱۳۸۶: ۲۷۹).

در این پژوهش نیز شاهد زندگی موفق تر و سالم تر افرادی هستیم که کانون کنترل درونی بر آن‌ها حاکم است. مقایسه مکان کنترل و سلامت روانی در ورزشکاران حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای نشان داد که ورزشکاران حرفه‌ای به‌طور معنی‌داری از مکان کنترل درونی و سلامت روانی بالاتری برخوردارند (نریمانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۰).

همچنین بررسی رابطه بین خلاقیت و کانون کنترل در دانش آموزان دبیرستانی مشخص نمود که بین خلاقیت و کانون کنترل رابطه همبستگی مثبت وجود دارد و با افزایش کانون کنترل بیرونی نمره خلاقیت افراد کمتر می‌شود (رشیدی، ۱۳۸۷: ۸۱).

بررسی رابطه بین کانون کنترل با اضطراب امتحان و عملکرد تحصیلی در دانشجویان نیز نشان داد که بین کانون کنترل و اضطراب امتحان رابطه معنادار منفی وجود دارد. این یافته بیانگر این مطلب است که بیرونی‌ها بر خلاف درونی‌ها، مضطرب‌تر، پرخاش‌گرت‌تر، جزم‌اندیش‌تر، بی‌اعتمادتر، شکاک‌تر و نامطمئن‌تر بوده و اضطراب امتحان بیشتری را تجربه می‌نمایند. می‌توان این‌گونه تبیین کرد که دانش‌آموزان دارای کانون کنترل درونی با واقع‌بینی بیشتر، برای انجام امتحان و کارها، نقشه‌های بلندمدت طرح می‌کنند. به‌نظر می‌رسد این فرایند طولانی برنامه‌ریزی و تلاش، فقط برای افرادی که قادرند پیامدهای کوشش‌های خود را کنترل نمایند، قابل تحمل باشد. همچنین به‌نظر می‌رسد که افرادی که دارای کانون کنترل درونی بهتر بتوانند تنشی را که هنگام امتحان ایجاد می‌شود تحمل کنند (بختیارپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۲).

در بررسی رابطه بین کیفیت زندگی با عزت نفس، کانون کنترل، استرس و حمایت اجتماعی؛ بین متغیرهای کیفیت زندگی، عزت نفس، کانون کنترل و حمایت اجتماعی همبستگی مثبت و معنی‌دار؛ و بین متغیرهای کیفیت زندگی و استرس رابطه منفی و معنی‌دار وجود داشت (قاسمی زاد و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

بررسی رابطه بین حرمت خود، کانون کنترل و نگرش مذهبی نشان داد که بین نگرش‌های مذهبی کانون کنترل درونی و حرمت خود همبستگی مثبت معنادار وجود دارد (مجدیان، ۱۳۸۸: ۵۷).

در مطالعه‌ای که ویژگی‌های شخصیتی افراد مبتلا به سرطان را با افراد عادی مقایسه کرده بود مشخص شد که در مقایسه با افراد عادی کانون کنترل بیرونی در افراد مبتلا به سرطان بیشتر است (جعفری و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۷).

بررسی نقش جنسیت در ارتباط نگرش مذهبی و کانون کنترل نیز نشان داد که بین نگرش‌های مذهبی و کانون کنترل درونی رابطه مثبت وجود دارد که در زنان این رابطه قوی‌تر است؛ همچنین میانگین نمره نگرش مذهبی در زنان بالاتر از مردان است (محمدی و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۷).

مطالعه نشان داد که بین نگرش شناختی عاطفی با کانون کنترل، رابطه معنادار و معکوس وجود دارد و نگرش مذهبی یکی از عوامل مهم تبیین‌کننده کانون کنترل است. این مطالعه بیان می‌کند که اعتقاد به خدا، به انسان قدرت می‌دهد و افراد معتقد باور می‌کنند که در مقابل مشکلات و رخدادها تنها نیستند. آن‌ها باور دارند که خدا یار و یاور آنهاست. این باور نه یک باور بیرونی بلکه باوری است که طی آن پیروان این ادیان، مشکلات خود را به کمک و با وساطت خدا حل می‌کنند. شاید ظاهر امر این طور باشد که این

گروه از انسان‌ها گرایش بیرونی دارند ولی این طور نیست. افراد دیندار معتقد نیستند خدا مشکلات‌شان را حل می‌کند بلکه معتقدند حمایت و پشتیبانی خدا به آنان نیرو می‌دهد تا به اهداف‌شان برسند (کوشکی، ۱۳۸۹: ۴۲).

همان‌گونه که در ارتباط با متغیرهای در ارتباط با کانون کنترل آشکار شد، در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که درونی بودن این کانون، موثرتر و مفیدتر در زندگی است. اگر می‌خواهیم امید به زندگی، روابط سالم اجتماعی، محیطی آرام و به دور از خشونت، استرس کم و... را در جامعه بالا ببریم می‌بایست سعی کنیم که باور درونی بودن کانون کنترل را در افراد بالا ببریم. البته این موضوع به معنای نفی کانون بیرونی نیست. به عبارت دیگر آیا احساس درونی بودن کنترل می‌بایست به تمامه باشد و یا به میزانی نیز می‌بایست شرایط بیرونی را دخیل در کنترل بدانیم؟ به نظر نویسندگان این سطور، افراد باید به کنترل بیرونی نیز باور داشته باشند و همه چیز را در حیطه اختیارات خود ندانند و در کنار اعتقاد به کنترل درونی، کنترل بیرونی را نیز موثر در کارها و امورشان بدانند. این نتیجه، چیزی است که مطالب قرآنی نیز بدان اشاره دارند و می‌توان با بررسی آنها به چنین رویکردی دست یافت. اینک و با تاکید بر مفهوم جبر و اختیار به تبیین این مطلب پرداخته می‌شود.

۴- اهمیت بررسی کانون کنترل از دیدگاه قرآن

امروزه بررسی علمی باورهای مذهبی و ارتباط آنها با سازه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی اهمیت ویژه‌ای یافته است (اسپیلکا، ۲۰۰۳: ۱۶).

چرا که دین حقیقتی است که پیوسته با بشر بوده و شالوده و بنیان زندگی او را تشکیل می‌دهد. معتقدات و دستورات دینی در تمام شئون زندگی دخالت داشته و از عوامل مؤثر در رشد شخصیت است، از این رو دین می‌تواند اهرمی برای رفع نواقص شخصیتی برای اصلاح روش زندگی باشد. به عبارتی، دین عاملی است برای حفظ و ارتقاء سلامت اعم از بدنی و روانی.

در واقع دین به عنوان نوعی فلسفه فکری با داشتن نگرشی خاص به جهان هستی؛ جهان بینی، ایدئولوژی و معرفت‌شناسی خاص خود را دارا است که نه تنها بر پاسخگویی به سوالات اساسی انسان در مورد پیدایش و تکوین جهان هستی و انسان تاثیر می‌گذارد و روابط بیرونی فرد در قبال نظام‌های اجتماعی، سیاسی، و تربیتی را معین می‌نماید بلکه حس درونی وجودی فردی یا هویت شخص را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد (گوتک، ۱۳۸۰: ۱۲).

قرآن، اعظم موجودات عالم است و پس از ذات اقدس الهی، هیچ هم‌سنگ و هم‌وزنی در عالم هستی ندارد. قرآن ثقل اکبر است و مفاهیم آن عمیق و لایه‌لایه‌ای بوده، دارای ظاهر و باطن و محکم و متشابه است و امکان برداشت‌های جدید و نو به نواز آیات آن همه روزه به فراخور فهم و درک انسان‌ها وجود دارد. قرآن کریم که کتابی جاودانه برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها و نسخه کامل و بی‌بدیل هدایت آدمیان به قله کمال و سعادت است نمی‌تواند از توجه جدی به ویژگی‌های مهم انسان بگذرد. بنابراین بررسی دیدگاه قرآن و بهره‌گیری از آن به تبیین بهتر و استفاده موثرتر از این مفهوم منجر خواهد شد.

۵- مفهوم کنترل در قرآن

واضح است که اصلی‌ترین مفهوم کنترل در دین اسلام همان مفهوم جبر و اختیار است. آزادی اراده انسان و حدود این آزادی از مباحث دشوار کلامی است و برداشت‌های گوناگون مسلمانان از آیات قرآن و احادیث نبوی(ص) به مکاتب فکری مختلف از جمله جهمییه، اشاعره، معتزله، امامیه و... انجامیده است و مکاتب کلامی اسلامی با استناد به استدلال‌ات عقلی و نقلی به سه مکتب کلی روی آورده‌اند:

الف- نظر معتزله: آنان قایل به اختیار مطلق انسان(تفویض) هستند و برآنند که انسان، قادر و خالق افعال خویش، از خیر و شرّ است و بنابر آنچه انجام می‌دهد استحقاق ثواب و عقاب را پیدا می‌کند. حق تعالی از اینکه شرّ و ظلم به او نسبت دهند منزه است زیرا اگر او خالق ظلم باشد بی‌شک ظالم خواهد بود(شهرستانی، بی تا: ۵۷).

ب- نظر اشاعره: اصل نظر اشاعره، اعتقاد به مختار نبودن انسان است و اینکه اعمال او، مخلوق خداست. (همان، ۱۰۵) انگیزه اشاعره در اتخاذ این رأی آن است که توحید افعالی و عمومیت قدرت خدا را ثابت کنند. این اصل که «خالقی جز خدا نیست» یک قاعده کلی برای اشعری و اتباع اوست و همه چیز، از جمله افعال انسانی مخلوق خداست. نقش انسان در این میان فقط کسب فعل است. کسب یعنی مقارن ساختن خلق فعل با خلق قدرت حادث در انسان. پس کسب کننده فعل، کسی است که فعل همراه با قدرت در او ایجاد شده است.(اشعری، ۱۴۰۵: ۱۹۲)

ج- نظر شیعه: فرقه امامیه، نظری میانه معتزله و اشاعره برگزیده است و شعارش لاجبر و لاتفویض، بل امر بین الامرین است. مطابق این نظر، قدرت اختیار انسان در طول اختیار خداست و همان طور که هستی انسان، دائماً از سوی پروردگار افزوده می‌شود، اختیار و قدرت انجام کار را نیز به همان صورت از خدا دریافت می‌کند.(حلی، ۳۰۷: ۲۷)

همان گونه که آشکار است براساس اتخاذ هر یک از این نظرات، کانون کنترل متفاوت خواهد بود؛ به این گونه که طبق نظریه معتزله کانون کنترل درونی و براساس نظریه اشاعره، بیرونی و بنابر نظر شیعه میان این دو است. حال قرآن کدامیک از این نظرات را تایید می‌کند و طبق نظریه شیعه و مطابق دستورات اهل بیت(ع) کنترل درونی نفوذ بیشتری دارد یا کنترل بیرونی؟ مشخص است که مجال اجمال در این مقال به ما اجازه نمی‌دهد تا به بیان نظرات مختلف در این باب پرداخته و ما طالبان مطالعه تفصیلی در این باب را به کتب و مقالات متعدد در مورد آن ارجاع می‌دهیم. لذا ما با پیش فرض گرفتن نظریه اهل بیت(ع) به بیان کانون کنترل پرداخته و تفصیل آن را با توجه به آیات قرآنی و تبیین اهل بیت(ع) بیان می‌کنیم.

در قرآن کریم و احادیث معصومین(ع) به خوبی می‌توان در مورد این موضوع به مفهوم‌سازی پرداخته و به تبیین جایگاه کانون کنترل در این دو رویکرد پرداخت.

همان گونه که پیش از این نیز بدان پرداختیم کانون کنترل عبارت است از اینکه انتظار یا توقع یک شخص برای دریافت تقویت یا پردازش در قبال انجام یک رفتار یا کسب یک موقعیت، در کنترل خود او

باشد (کانون کنترل درونی) یا خیر (کانون کنترل بیرونی)؟ (رتز، ۱۹۵۴ م: ۵) لذا کانون کنترل بررسی میزان کنترل یا عدم کنترل انسان بر رفتارهایی است که از او سر می‌زند. و رفتار دینی به‌طور خاص به‌عنوان یکی از این رفتارهای بشری و شاید به‌عنوان مهمترین رفتار انسان به‌طور ویژه می‌تواند از این جهت مورد بررسی قرار گرفته و ابعاد آن واضح گردد.

اگر بخواهیم برای کانون کنترل در قرآن و روایات به دنبال واژگان کلیدی بگردیم، حوزه معنایی که بیشتر باید پیرامون آن به تحقیق و بررسی بپردازیم، آیات و روایاتی است که به موضوع عمل انسان و تاثیر آن بر زندگی خود و دیگران و میزان تاثیر افراد در تغییر وضعیت موجودشان چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی است. لذا این مبحث قرابت بسیار زیادی با مبحث جبر و اختیار داشته و آیات و روایاتی که در این زمینه وارد شده‌اند و رویکرد و جهت‌گیری آنها کمک بسیاری به فهم رویکرد قرآنی و روایی در زمینه کانون کنترل خواهد کرد. البته ما در این مقال بر آن نیستیم تا به موضوع جبر و اختیار یا قضا و قدر بپردازیم بلکه می‌خواهیم با کمک آیات و روایاتی که در این زمینه وجود دارد و به کمک تفسیر و تبیین اهل بیت (ع) در مورد این موضوعات، درونی یا بیرونی بودن کانون کنترل از دیدگاه نقل را مشخص نماییم.

دسته اول در این دست، آیاتی است که تغییر و کنترل را در خداوند منحصر دانسته و این‌گونه می‌نمایند که انسان در انجام اعمال و تعیین سرنوشت خود اختیاری نداشته و مطابق موضوع مورد بررسی ما کانون کنترل، بیرونی خواهد بود. این دسته، آیات زیادی را در بر می‌گیرد که ما به‌عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم؛ برخی از آیات این دسته به علم الهی در مورد اعمال ما اشاره داشته و همه وقایعی که برای انسان اتفاق می‌افتد را مکتوب در کتاب محفوظ، آن هم پیش از خلقت انسان می‌داند. از جمله این آیات می‌توان به آیه ۲۲ جدید اشاره کرد. آن‌جا که خداوند متعال می‌فرماید: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ: هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در جان‌تان روی ندهد مگر پیش از آنکه آن را پدید آوریم در کتابی ثبت است. همانا این [کار] بر خدا آسان است.» در این آیه شریفه تمامی رخدادهای درونی و بیرونی به خداوند نسبت داده شده است که از پیش در لوح محفوظ ثبت بوده است. آیه ۱۱ سوره مبارکه تغابن نیز همین معنا را در غالبی دیگر بیان می‌نماید؛ «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ: هیچ مصیبتی جز به اذن خدا نرسد، و هر که به خدا ایمان آورد، قلب وی را هدایت کند، و خدا به هر چیزی داناست.»

دسته دیگر از این آیات، آیاتی است که به‌میزان تصرف انسان در اعمالش اشاره داشته و بخشش و عدم بخشش اعمال را به‌طور کامل در خداوند منحصر می‌داند. آیات بسیاری در قرآن به این موضوع اشاره دارند که از میان آنها می‌توان به آیات ۲۸۴ بقره، ۱۲۹ آل عمران، ۱۸ و ۴۰ مائده، ۲۱ عنکبوت و ۱۴ کهف اشاره کرد. خداوند در آیه مورد نظر ما در سوره بقره می‌فرماید: «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداوند است. و اگر آنچه در دل دارید عیان کنید یا نهان دارید، خداوند شما را بدان محاسبه می‌کند، پس هر که را خواهد می‌آمزد و هر که را خواهد عذاب می‌کند، و خدا بر هر کاری تواناست.» گرچه ظاهر این آیه و دیگر آیات موجود در این دسته بیشتر بر این دلالت

دارند که زمان تعذیب و بخشش، آخرت باشد لیکن نمی توان وقوع آن در این دنیا را نیز نفی کرد. لذا این آیات صراحتاً به عدم کنترل انسان بر نتیجه عمل خود دلالت دارند و درونی بودن کنترل را منتفی دانسته و آن را به تمامه در خداوند منحصر می دانند. دیگر آیات این دست نیز به همین شکل بر موضوع ما دلالت داشته تصرف مطلقه خداوند را نشان می دهند.

تحلیل:

لیکن در مورد این دسته از آیات نمی توان این اطلاق را به تمامه پذیرفت و بنا بدلایلی که اینک بدان اشاره می کنیم حتماً می بایست آن را مقید بدانیم: اولین و مهمترین دلیل ما تعارضی است که بین این آیات و دسته دیگری از آیات که ذیلاً بدان اشاره می کنیم وجود دارد. آیاتی که اختیار و تفویض را برای انسان اثبات می کند و کنترل را درونی می انگارد. لیکن شاهد دیگری که ما را بر آن می دارد تا دسته دومی را بر اولی ترجیح داده و دسته اول را مقید کنیم، گروه دیگری از آیات است که تصریح در نفی جبر انگاری دارند. در میان این آیات بارزترین آیه، آیه ۱۴۸ سوره مبارکه انعام است؛ در این آیه شریفه خداوند

متعال به بیان اعترافات مشرکان در روز قیامت پرداخته که می گویند:

«سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاءُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ: کسانی که شرک آوردند به زودی خواهند گفت: اگر خدا می خواست، نه ما و نه پدرانمان شرک نمی آوردیم، و چیزی را [خودسرانه] تحریم نمی کردیم. کسانی هم که پیش از آنان بودند، همین گونه [پیامبران خود را] تکذیب کردند، تا عقوبت ما را چشیدند. بگو: آیا نزد شما دانشی هست که آن را برای ما آشکار کنید؟ شما جز از گمان پیروی نمی کنید، و جز دروغ نمی گوئید». مشاهده می شود که خداوند در این آیه صراحتاً به تکذیب قول مشرکان پرداخته و این عقیده را که شرک خود را تنها به خداوند نسبت داده اند نفی کرده است. لذا می توان این آیه قرآن را صریح ترین آیه در نفی اعتقاد به جبر و کنترل بیرونی مطلق دانست. لیکن این که آیا بیرونی بودن کنترل به طور مطلق منتفی باشد، این آیات اشارتی بدان نداشته و حداقلی از آن را برای انسان اثبات می کند که در ادامه مباحث بیشتر به شرح آن می پردازیم.

دسته دوم از این دست، آیاتی است که ایجاد تغییر از جانب خداوند را منوط به تغییر از جانب خود انسان ها می داند. برای نمونه از این دست می توان به آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد و ۵۳ انفال اشاره کرد. در آیه اول، خداوند متعال ایجاد تغییر از جانب خود را منوط به تغییر توسط انسان دانسته است: «لَهُ مَعْقِبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ». در این آیه ضمیرهای چهارگانه «له»، «بیدیه»، «خلفه» و «يَحْفَظُونَهُ» وجود دارد که در مورد مرجع ضمیر این ضمایر و به شکل خصوص مرجع ضمیر «له» اختلاف نظر وجود دارد و مراجع گوناگونی برای آن بر شمرده اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۴۳۱) لیکن به نظر می رسد همه به یک مرجع برمی گردند و پیش از این ضمائر، کلمه ای که شایستگی و تناسب مرجعیت هر چهار ضمیر را داشته باشد نیست به جز کلمه موصول «مَنْ»، که در آیه قبل در جمله «مَنْ أَسْرَأَ الْقَوْلَ...»، قرار داشت، و

آن همان انسان است که خداوند در جمیع احوالش از او با خبر است، و همین انسان شخصی است که معقباتی در پیش‌رو و پشت‌سر دارد (زمخشری، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۵۱۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱: ۳۰۸) در این آیه شریفه بلافاصله پس از این که برای انسان مراقبانی را از پیش و پس بر می‌شمارد که وی را حفاظت می‌کنند، به این موضوع مهم و مبنایی می‌پردازد که تغییر از جانب خداوند منوط به تغییر از جانب خود شخص است و اگر وی این تغییر را ایجاد کرد خداوند نیز تغییر خواهد داد. لیکن در ادامه آیه تنها اراده خداوند را منشأ اثر دانسته و دیگر اراده‌ها را در برابر اراده خداوند بلا اثر می‌داند. به عبارت دیگر قسمت اول، مفید معنای اختیار و تفویض است و قسمت اخیر، جبر را متبادر اذهان می‌کند و این موضوع همان چیزی است که اهمیت تبیین ارتباط درست میان این دو قسمت را دو چندان کرده است و ما را بر آن داشته است تا برای دستیابی به موضوع مورد نظرمان و درونی یا بیرونی بودن کانون کنترل از دیدگاه قرآن به سراغ به اهمیت بیشتری به تبیین این آیه بپردازیم. به عبارت دیگر دو گونه مختلفی که پیش از این بدان اشاره کرده بودیم در این آیه دیده می‌شود و وجه جمع بین این دو گونه را نیز می‌توان از همین آیه یافت. آیه ۵۳ سوره انفال نیز مفهومی همراستای همین آیه را انتقال می‌دهد.

لذا ما اینجا ابتدائاً به جهت جامعیت این آیه در برداشتن هر دو مفهوم جبر و اختیار، به تبیین و جمع، در این آیه می‌پردازیم.

در این آیه شریفه ابتدا خداوند متعال نگهبانانی را برای انسان مقرر می‌کند و سپس ایجاد تغییر از جانب خود را به ایجاد تغییر توسط افراد منوط می‌کند و با این شرط است که ادامه آیه تحقق می‌یابد و اراده خداوند محقق شده فرض می‌شود و در این هنگام دیگر چیزی نیز نمی‌تواند جلوی اراده خداوند را بگیرد. تنها نکته‌ای که جا دارد تا در مورد آن در این قسمت به بحث و گفت و گو بپردازیم این نکته است که تصریحی که در این آیه وجود دارد و اراده خداوند بدان تعلق گرفته است تنها «سوء» می‌باشد نه همه اعمال و این در حالی است که پیش از آن و در مورد ایجاد تغییر، به‌طور کلی سخن رانده شده بود و تقییدی به جهت مثبت و یا منفی نداشت لذا محتمل است که این قسمت تنها به امور خیر و نیک منحصر باشد و قسمت دوم که از تغییر ناپذیر بودن اراده الهی سخن می‌راند به اعمال سوء متعلق باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۴۳۲؛ طوسی، بی تا، ج ۶: ۲۳۸؛ زمخشری، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۵۱۷) البته این احتمال نیز وجود دارد که عموم در آیه مد نظر باشد و مراد از تغییر در هر دو بعد خیر و شر باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱: ۳۱۱) لیکن آنچه بیش از این با سیاق متناسب است و روایات نیز آن را تقویت می‌کنند همان معنای اول است که تغییر، به نعمت و عدم امکان تغییر، در نعمت باشد (بحرانی، ۱۳۳۴، ج ۳: ۲۳۷؛ فیض کاشانی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۶۱).

با این بحث نسبتاً مفصلی که اینجا ارائه کردیم می‌توانیم به گونه‌ای به تبیین «الامر بین الامرین» بپردازیم؛ به عبارت دیگر اختیار و جبر، همان گونه که در اهم کتب کلامی شیعی نیز تبیین شده است (طوسی، ۱۳۹۳ق: فصل سوم) امر ساده‌ای در محسوب نمی‌شوند و هیچ کدام از آنها به‌طور مطلق قابل پذیرش نیستند و اهل بیت (ع) با اهل جبر و تفویض، هر دو، مخالفت داشته و امری بین این دو که شاید فهم آن نیز خیلی سهیل الوصول نباشد پذیرفته‌اند (کلینی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۱۵۹) ما در این مقاله در مقام تعیین

میزان جبر و اختیار در زندگی بشر نیستیم، چرا که این امر خود به پژوه ۰۰ شی مستقل نیازمند است، لیکن بهره‌ای که ما می‌توانیم از این موضوع در این مقال ببریم آن است که با توجه به آن چه که تاکنون بیان کردیم، کنترل درونی و بیرونی هر دو در مورد انسان صادق است لیکن این دو نسبت به یکدیگر می‌توانند حالت تقدیم و تاخر داشته باشند به این صورت که کنترل درونی ابتدائاً وجود دارد و در پی آن کنترل بیرونی فعال می‌شود که تغییری نیز در آن نمی‌توان ایجاد کرد.

اگر بخواهیم کمی بیشتر به تبیین قرآنی این مقوله پردازیم می‌توانیم به آیات ۶۷ توبه و ۱۹ حشر نیز توجه داشته باشیم. در این آیات، خداوند فراموشی خود نسبت به انسان‌ها را منوط به فراموشی خود آنها می‌داند. گرچه نسبت دادن فراموشی در این آیه شریفه به خداوند از متشابهاتی محسوب می‌شود که علما در تبیین آن اختلافاتی دارند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۹۸)، لیکن برخی این آیه را در تحلیل و تبیین آیه «إِنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» (الانفال/۲۴) به عنوان شاهد آورده و چگونگی حیلولة خداوند را با این آیه تبیین می‌کنند (معرفت، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۹۱). به این معنا که تعذیب خداوند در این آیه شریفه که به نسیان خداوند تعبیر شده است پس از نسیان انسان نسبت به خودش به وقوع پیوسته است.

لذا می‌توان نتیجه گرفت که کنترلی که از جانب خداوند بر انسان وجود دارد، در پی و متناسب کنترلی است که خود انسان بر خود دارد و در حقیقت کنترل بیرونی موخر از کنترل درونی و متناسب با آن صورت خواهد پذیرفت. البته شایسته است که به این نکته توجه شود که انسان بر مدار اعمال پیشینی خود حرکت می‌کند و گریزی از اعمال خود ندارد و اعمال پیشینی او هستند که چگونگی اعمال پسینی را رغم می‌زنند و این مطلب مهم همان چیزی است که آیه ۸۴ سوره اسراء بر آن دلالت دارد. آن جا که خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا» (اسراء/۸۴).

در این آیه شریفه خداوند متعال بر کنترلی که اعمال پیشینی بر اعمال پسینی دارند اشاره داشته و انسان را بر توجه بیشتر به اعمال پیشینی وامی‌دارد. بنابراین می‌توان این نکته را نیز بر مطالب پیشین اضافه کرد که اعمال خود انسان نیز می‌توانند به عنوان کنترل بیرونی عمل کنند و نتیجه آنها بدون آن که در اختیار انسان باشد در زندگی و چگونگی عملکردش موثر واقع شوند.

لذا بر اساس معارف قرآنی انسان تحت تاثیر هر دو نوع کنترل درونی و بیرونی بوده تنها با این تفاوت که کنترل درونی نسبت به بیرونی نقش مقدمه‌ای و پیشینی داشته و می‌توان با حرکت درست و اعمال صالح کنترل بیرونی را نیز تحت تاثیر قرار داد و هدایت کرد.

۶- نتیجه

با توجه به آن چه که تاکنون بدان اشاره کردیم، به نظر می‌رسد قرآن کریم پیرامون درونی یا بیرونی بودن جایگاه کنترل موضعی میانه داشته و هیچ کدام از آنها را به طور مطلق نفی نمی‌کند و می‌توان آیاتی را موافق هر یک از این دیدگاه‌ها یافت که وجه جمع آنها نیز اتخاذ راهی میانه است که به شکلی نسبی هر یک از آنها را تایید می‌کند؛ آن هم به نحوی خاص به این صورت که ابتداء درونی بودن کانون کنترل را اثبات کرده و در پی آن و متناسب با آن، کنترلی بیرونی بر فرد وجود خواهد داشت که گریزی از آن نخواهد داشت و این طریقه به گونه‌ای ترکیبی و پیچیده تا به آخر ادامه خواهد داشت. این موضوع به همین شکل در روانشناسی نیز مورد بررسی قرار گرفته و شخصیت‌های گوناگونی با توجه به درونی و بیرونی بودن کنترل نام برده شده است که این هم به معنای نفی یکی از این‌ها نیست بلکه به غالب بودن یکی از این‌ها در فرد اشاره دارد و در مجموع نیز غلبه کنترل درونی، مزایا و منافع بیشتری برای فرد و جامعه در بر خواهد داشت.



منابع

قرآن کریم.

- ابو الحسن، علی بن اسماعیل الاشعری (۱۴۰۵ق)؛ مقالات الاسلامیین، بیروت، دارالحدیثه.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۳۴)؛ البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بی‌نا.
- بختیارپور س، حافظی ف، بهزادی شینی ف (۱۳۸۸)؛ رابطه بین کانون کنترل، کمال گرایی و خودکارآمدی با اضطراب امتحان و عملکرد تحصیلی در دانشجویان. یافته‌های نو در روان‌شناسی زمستان، ۵ (۱۳)، ۳۵-۵۲.
- برومند نسب م، شکر کن ح (۱۳۸۸)؛ بررسی رابطه ساده و چندگانه خوداثر بخشی کانون کنترل و تحمل ابهام با کارآفرینی، مجله دستاوردهای روانشناختی، ۴ (۱۶)، ۲۷-۵۰.
- جعفری ع، سهرابی ف، جمهری ف، نجفی م (۱۳۸۸)؛ رابطه تیپ شخصیتی کانون کنترل و سخت رویی در بیماران مبتلا به سرطان و افراد عادی. مجله روانشناسی بالینی، ۱۱ (۱)، ۵۷-۶۶.
- حاتمی ح، محمدی ن، ابراهیمی م، حاتمی م (۱۳۸۹)؛ رابطه کانون کنترل و ویژگیهای شخصیتی. مجله اندیشه و رفتار، ۵ (۱۸)، ۲۱-۳۱.
- حسن شاهی م، نوری ا، مولوی ح (۱۳۸۲)؛ رابطه بین کانون کنترل و سازگاری زناشویی همسران شاغل در آموزش و پرورش (دبیران) شهرستان شیراز، پژوهشهای روان‌شناختی زمستان ۷ (۱۳)، ۵۱-۶۱.
- حلی، حسن بن داود (۱۳۰۷)؛ باب حادی العشر، شرح فاضل مقداد، تهران، مطبعه حاج ابراهیم تبریزی.
- (۱۳۹۸)؛ کشف المراد شرح تجرید الاعتقاد، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- رسولی ز، فرحبخش ک (۱۳۸۸)؛ رابطه سبک‌های دلبستگی و کانون کنترل با سازگاری زناشویی، مجله اندیشه و رفتار، ۵ (۱۳)، ۱۷-۲۵.
- رشیدی اسماعیل، شهرآرای مهرناز (۱۳۸۷)؛ بررسی رابطه خلاقیت با کانون کنترل، اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی تابستان ۳ (۳)، ۸۱-۹۹.
- زارعی دوست، کاظم عاطف و حید (۱۳۸۶)؛ مقایسه کانون کنترل، شیوه‌های مقابله و باورهای غیرمنطقی در زنان روسی و عادی شهر تهران، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۳ (۳)، ۲۷۲-۲۷۹.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۶ق)؛ کشف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (۱۲۸۸)؛ الملل و النحل، بی‌نا، بی‌جا.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۶۲ش)؛ الصافی فی تفسیر القرآن، تهران، کتابفروشی اسلامیة.

قاسمی‌زاد علی، برنجیان تبریزی حامد، عابدی م، برزیده (۱۳۸۹)؛ بررسی مقایسه‌ای رابطه بین کیفیت زندگی با عزت نفس، کانون کنترل، استرس و سرمایه اجتماعی فرزندان شاهد و اینارگر فارس، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱(۴)، ۱۰۷-۱۲۴.

قلی پور آبیان نژادع، فاخری کوزه‌کنان س، قلی پور ف، (۱۳۸۷)؛ تبیین عوامل شناختی (کانون کنترل، درماندگی اکتسابی و اثرگلم) در نهادهای آموزشی، دومانه‌نامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد. ۱۵(۳۳).

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۹ق)؛ الکافی، بیروت، دارالتعارف.

کوشکی ش، خلیلی فرم (۱۳۸۹)؛ نگرش مذهبی و کانون کنترل، اندیشه و رفتار، ۴(۱۵)، ۳۳-۴۲.
گوتک جرال‌الدال (۱۳۸۰)؛ مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، محمد جعفر پاک سرشت، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

مجدیان م، سلیمی س ح (۱۳۸۸)؛ بازخورد مذهبی حرمت خود و مسند کنترل‌گری، روانشناسی تحولی، ۶(۲۲)، ۱۵۷-۱۵۱.

محمدی د، مهرابی‌زاده هنرمند م (۱۳۸۵)؛ ارتباط نگرش مذهبی با مکان کنترل و نقش جنسیت، پژوهش‌های روان‌شناختی زمستان، ۹(۱۵)، ۶۴-۴۷.

محمودیان م، خوشکنش ا، صالح صدق‌پور ب (۱۳۸۷)؛ بررسی تأثیر آموزش کنترل‌های زندگی با رویکرد قرآنی بر افسردگی دانشجویان، فصلنامه تخصصی پژوهشهای میان‌رشته‌ای قرآن کریم، ۱(۱)، ۵۴-۴۳.

معرفت، محمد هادی (۱۴۱۸ق)؛ التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، مشهد، الجامعه الرضويه للعلوم الاسلاميه.

نریمانی م، غفاری م (۱۳۸۵)؛ ابوالقاسمی ع، گنجی م. مقایسه مکان کنترل و سلامت روانی در ورزشکاران حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای، حرکت، ۳۰، ۲۸-۱۵.

Ind J Aerospace Med, **safety locus of control in Indian aviators**, 50 (1)

Gomez, R(1998); **Locus of control and avoidant coping, Direct, interactional and mediational effects on maladjustment in adolescents**, Personality and Individual Differences, 24, 325-334.

King Z.(2004); Career self-management• Its nature, causes and consequences, Journal Vocat Behavior, 65, 112-33.

Moshki M. Ghofranipour F, Hajizadeh E, Azadfallah P.(2007); **Validity and reliability of the multidimensional health locus of control scale for college students**, BMC Public Health, 7• 295.

rotter,J.B (1954) , **Social larning and clinical psychology**, Englewood Cliffs, NJ•Prentice-Hall.

Spilka, B., Hood, Jr., R., Hunsbergen, B., Gorsuch R(2003); **Psychology of religion, on empirical Approach**, 3th, Edition, The Guilford press New York London.